

نقش برنامه‌ریزی و طراحی شهری بر احساس امنیت در مجتمع‌های مسکونی شهر

همدان

علی موقریپاک^۱ - قاسم فرجی^۲ - محمد صدیق قربانی^۳

۵۳-۷۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۱۹

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۰۷/۰۲۳

چکیده

امروزه امنیت جایگاه ویژه‌ای در آرامش و افزایش کیفیت زندگی شهری خواهد داشت. امنیت از نظر لغوی، به معنای راحت و آسوده و بی‌بیم گردانیدن می‌باشد و مفهوم آن به دفاع یا حفاظت از خود، خانواده، دوستان و اموال باز می‌گردد که خود نشان‌دهنده ضرورت بحث می‌باشد. امنیت از نیازهای اساسی انسان است که نحوه‌ی پاسخ به آن تأثیر مستقیم در ارضای نیازهای دیگر او دارد. انسان همیشه در طول تاریخ سعی در پاسخ به این نیاز داشته است. ساخت ابزارآلات دفاعی، ایجاد تأسیسات تدافعی و نظامی در سکونتگاه‌ها و شهرها، تشکیل نیروی نظامی و ... برخی از اقدامات او برای حفظ امنیت فردی و اجتماعی‌اش بوده است. طبقه‌بندی ساده‌ی قشر مخاطب برای دسته‌بندی گونه مسکن مورد نیاز پاسخ‌گوی نیازهای دامنه‌ی وسیع استفاده‌کنندگان از مجموعه‌های مسکونی نمی‌باشد. نتایج حاصل این مقاله حاکی از آن است که ایجاد حس امنیت از طریق غیر مستقیم و با بهره‌گیری از سیاست‌های پیشگیرانه‌ی تلفیقی کالبد معماری و روابط اجتماعی، فرهنگی (از قبیل: مسأله اشراف و دید، افزایش قابلیت رویت‌پذیری بصری، برقراری تناسب میان تراکم جمعیتی و مجموعه‌های مسکونی، ایجاد کاربردهای متنوع و متجانس و) تحقق‌پذیر خواهد بود. بر این اساس، این مقاله به بررسی نقش برنامه‌ریزی و طراحی شهری بر احساس امنیت در مجتمع‌های مسکونی شهر همدان می‌پردازد.

واژگان کلیدی: برنامه‌ریزی، احساس امنیت، طراحی، مجموعه‌های مسکونی، شهر همدان.

۱ - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور کردستان (نویسنده مسؤول):

(alimp9667@gmail.com)

۲ - کارشناس ارشد فقه و حقوق اسلامی

۳ - استادیار گروه جغرافیا - دانشگاه پیام نور کردستان

مقدمه

در طول تاریخ، زندگی شهری بیش از همه نیازمند برقراری امنیت بوده است. با نگاهی به منشأ پیدایش زندگی به صورت جمعی و یکجانشینی، اثر امنیت نمود بارزی پیدا می‌کند. امنیت دارای دو بعد عینی و ذهنی می‌باشد که بُعد ذهنی بیشتر به مؤلفه‌های اجتماعی و بُعد عینی به مؤلفه‌های فیزیکی و کالبدی باز می‌گردد. در حال حاضر نیز توجه به نیازهای اساسی شهروندان در محیط‌های شهری و توجه به برطرف نمودن مشکلات و معضلات شهری به منظور کاهش نابهنجاری‌ها و افزایش امنیت در فضاهای عمومی از مهم‌ترین مسائلی است که همواره مورد توجه مدیران، برنامه‌ریزان و طراحان شهری بوده است. شناخت فعالیت‌های جاری در محیط‌های شهری و جایگزینی و تناسب آن‌ها با کالبدشان می‌تواند در بهبود شرایط محیطی بر برقراری امنیت مؤثر باشد. معیارهای شناخت و تحلیل امنیت در پهنه‌ی شهر بسیار متفاوت است و با توجه به مؤلفه‌های کالبدی، کارکردی و محیطی نوسان پیدا می‌کند. محیط‌های شهری بنا به شرایط اجتماعی موجود، یعنی شکل‌گیری فضاها، کارکرد فضاها، وجود امکانات رفاهی، تراکم، آلودگی‌های زیستی محیطی و می‌توانند بر میزان امنیت مؤثر باشد. ایجاد فضاهای آرام و به دور از نابسامانی اجتماعی و نیز افزایش کیفیت محیطی از طریق توجه به نیازهای اساسی زندگی شهری به عنوان مطلوبیت فضای شهری به حساب می‌آید.

بیان مسأله

فضاهای شهری و روابط جاری در آن با هم در ارتباط متقابل هستند و از هم تأثیر می‌پذیرند. انسان از طریق روابط اجتماعی - فرهنگی به فضا، فرم و عملکرد اهمیت می‌بخشد و ساماندهی فضا به نوبه خود به تغییر شکل این روابط می‌انجامد. بنابراین، ساخت و طراحی فضاهای شهری بفرایند زندگی اجتماعی تأثیر گذاشته و

می‌بایست از نظر جسمی و روانی برای شهروندان کارایی داشته باشد (سیفایی، ۱۳۸۴: ۷۶). خوانایی یک شهر از طریق ابزار کالبدی آشکارتر می‌شود و به میزانی که یک کالبد بتواند با شهروندان خود از طریق ویژگی‌های کالبدی ارتباط نمادین ایجاد کند، یک شهر خوانا و ناخوانا ارزیابی می‌شود (رضازاده، ۱۳۸۴: ۲۵). وقتی که یک شهر خوانا است، به احساس امنیت از بین می‌رود (H.Russ, 2005: 22). با این وجود، امنیت اجتماعی و به‌طور کلی امنیت، ارتباط مستقیمی با فضا و ساخت و ساز شهری دارد. یک فضای شهری مناسب تا حد زیادی تأمین‌کننده‌ی امنیت و فضای نامناسب، از بین برنده‌ی آن و زمینه‌ساز انواع آسیب‌ها و معضلات اجتماعی است. فضاهای نامناسب شهری، فضاهای بی‌دفاع، محلات ناامن، همه و همه از عوامل تهدیدکننده امنیت شهری و اجتماعی هستند. امروز امنیت از شاخصه‌های کیفی زندگی در شهرها است و آسیب‌های اجتماعی از مهم‌ترین پیامدهای مختلف امنیت به شمار می‌روند. در این میان، فضاهای شهری از جمله مؤلفه‌هایی هستند که نابهنجاری‌های اجتماعی در بستر آن‌ها به وقوع می‌پیوندد. امروزه رویکردهای نوین برنامه‌ریزی و طراحی مجموعه‌های مسکونی متوجه الگوهای جامع میان رشته‌ای شده است. این رویکرد به جنبه‌های انسانی و محیطی طراحی اهمیت ویژه‌ای داده و از طرف دیگر مشکلات زندگی در شهرهای بزرگ بر لزوم آن افزوده است. مسأله امنیت در مجموعه‌های مسکونی از جمله عوامل انسانی و محیطی می‌باشد که با تأثیر مستقیم بر برنامه‌ریزی و طراحی این مجموعه‌ها، کیفیت زندگی انسان‌ها را ارتقاء می‌بخشد. سازگاری و هماهنگی هر چه بیشتر عوامل انسانی و محیطی می‌تواند طراحی محیط‌های مسکونی را در پی داشته باشد که آداب زندگی اجتماعی و فرهنگ سکونت ساکنین را ارتقاء دهد (Rapoport: 1982: 3-6). در این مقاله، مقصود از مجموعه‌های مسکونی، مجموعه‌هایی است که به صورت یکجا و همزمان ساخته

شده و مالکیت بخشی از فضاهاى عمومى و نیمه عمومى مشاع بوده و استفاده از آن داراى مقررات مخصوص به خود مى‌باشد. بر این اساس، این مقاله به بررسی نقش برنامه ریزی و طراحی شهری بر احساس امنیت در مجتمع‌های مسکونی شهر همدان می‌پردازد.

روش تحقیق

از آنجایی که هر پژوهش علمى با ظهور مسأله یا مجهولى در ذهن محقق شروع مى‌شود (حافظنیا، ۱۳۸۲: ۱۶)، لذا تحقیق حاضر به بررسی برنامه‌ریزی و طراحی شهری بر احساس امنیت در مجتمع‌های مسکونی شهر همدان می‌پردازد. بر این اساس تحقیق حاضر به صورت توصیفی - تحلیلى می‌باشد که اطلاعات آن به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری گردیده است.

تعریف مفاهیم:

امنیت: معنای لغوی امنیت رهایی از تشویش، اضطراب، ترس (نصری، ۱۳۸۱: ۱۱۴)، یا احساس آرامش و اطمینان خاطر است (ماندل، ۱۳۷۹: ۴۴). در فرهنگ معین امنیت با معانی ایمن شدن، در امان بودن و بی‌بیمى آمده است (معین، ۱۳۸۴: ۱۴۰). برقراری امنیت منوط به رهایی نسبی از تهدید و بهره‌گیری بهینه از فرصت‌ها می‌باشد (خلیلی، ۱۳۸۱: ۴۴۸). در تعریفی دیگر، امنیت مجموعه‌ی شرایط و وضعیتی است که موجب ثبات و آرامش خاطر در جامعه می‌گردد و ترس و خوف از نظر عامه‌ی مردم رخت برمی‌بند (بیات، ۱۳۸۷: ۲). به این ترتیب، می‌توان گفت امنیت به

معنای فراغت از هرگونه تهدید و تعرض به حقوق و آزادی‌های مشروع و قانونی شهروندان است (کارگر، ۱۳۸۳: ۲).

احساس امنیت: احساس امنیت حالتی است که در آن ارضای احتیاجات و خواسته‌های فردی و اجتماعی افراد انجام و شخص در آن احساس ارزش، اطمینان خاطر و اعتماد به نفس نماید (شعاری نژاد، ۱۳۶۴: ۲۸).

در فضاهای شهری، احساس امنیت شهری به این معناست که شهروندان بتوانند آزادانه جابه‌جا شوند، با هم شهریان خود ارتباط برقرار کنند و به فعالیت‌های اجتماعی بپردازند، بدون آنکه تهدید شوند یا با خشونت و آزار و اذیت جسمی و روحی یا نابرابری جنسی مواجه شوند. احساس امنیت به معنای امنیت خاطر شهروندان از مال، جان و ... است که خود نشانگر سازمان یافتگی، قانونمندی و با ثبات بودن جامعه است (صناعی، ۱۳۸۵: ۱۵۰). بنابراین، احساس امنیت در یک جامعه به احساس روانی شهروندان از میزان وجود یا عدم وجود جرم و شرایط جرم‌خیز در آن جامعه باز می‌گردد و هر مقدار فراوانی جرم و شرایط جرم‌خیز بالاتر باشد احساس امنیت شهروندان پایین‌تر است (بیات، ۱۳۸۷: ۱۷).

فضا: فضا مجموعه‌ای از انسان‌ها، فعالیت‌ها، محیط طبیعی و محیط مصنوعی را دربر می‌گیرد (مؤمنی، ۱۳۷۷: ۱۸). به بیان دیگر فضا، حجم زمانی و مکانی مجموعه فعالیت‌های انسان در طبیعت انجام می‌دهد (misra, 1992: 36).

فضای شهری: هنگامی که صفتی به فضا نسبت داده می‌شود، یک حوزه یا قلمرو فضا را می‌سازد. فضای شهری بنابر کالبد فیزیکی شهر و در حیطه شهر قرار می‌گیرد (misra, 1992: 36).

فضاهای شهری موضوع بسیاری از رشته‌های مختلف می‌باشد. بنابراین، از منظرهای مختلف تعریف می‌شود که تمامی آن‌ها به نوعی مکمل هم‌اند.

در جغرافیا، روان‌شناسی محیط و جامعه‌شناسی شهری، فضای شهری به عنوان یک موقعیت مادی، زمینه نمادین و اجتماعی و به میزان قلمروی حوادث و خطرات در نظر گرفته می‌شود (lapinitie,2007:32).

دیدگاه معماری، فضاهای عمومی را به عنوان مکان‌هایی باز و قابل دسترس، تعریف می‌کند و در حقیقت در تقابل با فضاهای خصوصی - جایی که دسترسی به آن محدود و کنترل شده است - قرار می‌گیرد (Garcia-Ramon,2004:217).

فضاهای شهری به مفهوم صحنه‌ای است که فعالیت‌های عمومی زندگی شهری در آن‌ها به وقوع می‌پیوندند. خیابان‌ها، میادین، پارک‌های یک شهر، فعالیت‌های انسانی را شکل می‌دهند (بحرینی، ۱۳۷۷: ۳۱۳). هم‌چنین، می‌توان گفت «فضای شهری آن بخش از فضا است که به وسیله شهر اشغال شده و یا دست‌کم به ضرورت کارکرد کانون‌های جمعیتی مورد استفاده قرار گرفته است. این فضا مشتمل است بر محدوده‌های ساخته شده، شبکه راه‌های شهری، قرارگاه‌ها و مؤسسات حمل و نقل، باغ‌ها، اماکن ویژه سرگرمی و محل‌های مخصوص گذران اوقات فراغت» (جمالی، ۱۳۸۳: ۳۱).

یک تعریف دیگر سه شاخصه‌ی "باز بودن فضا"، "عمومی بودن فضا"، "برقراری تعاملات اجتماعی فضا" را سه شاخص ضروری و توأمان فضای شهری معرفی می‌کند (پاکزاد، ۱۳۸۴: ۵). به عبارتی، فضاهای شهری می‌توانند به عنوان فضاهای باز فکری هم تعریف شوند، چرا که این فضاها برای استفاده‌های مختلف غیر قابل پیش‌بینی و انجام فعالیت‌های متنوع، طراحی و برنامه‌ریزی شده‌اند تا تمایلات شهروندان را برای برآورد کردن خواسته‌هایشان همواره کرده و آن‌ها را از این امر منتفع نمایند (Walzer,1986:470).

کالتورپ (Calthorp) در همین چارچوب در اعتراض به کاهش نقش این فضاها در فرایندهای برنامه‌ریزی و طراحی شهری معاصر خاطر نشان می‌سازد که کیفیت فضای عمومی در شهرها به طرز محسوسی کاهش یافته است (رفیعیان و سیفایی، ۱۳۸۴: ۳۹).

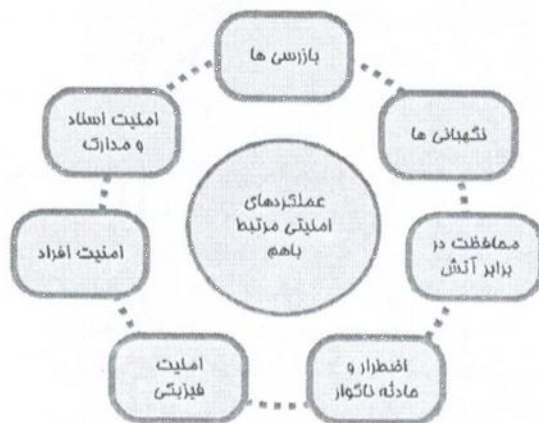
تحلیل فضایی: کشف روابط بین عناصر چهارگانه‌ی انسان، مکان، زمان و فعالیت را می‌توان به عنوان تحلیل فضایی قلمداد نمود (زنگی آبادی، ۱۳۷۸: ۴۲).

امنیت فضای شهری: یکی از حقوق مشروع شهروندان، ایمن بودن در حین حضور در فضاها‌ی شهری می‌باشد. این ایمنی باید از دو جنبه مورد توجه واقع شود: "۱ - امنیت فیزیکی: یعنی آزادی از آزارهای جسمی و فیزیکی ۲ - امنیت روانی: یعنی داشتن حس مکان و حس تسلط بر فضا چه از نظر جغرافیایی و چه از نظر اجتماعی در یک جامعه" (حسینیون، ۱۳۸۶: ۸۷).

نقش برنامه‌ریزی و طراحی شهری برای احساس امنیت

یعنی محافظت از ساختمان و ساکنان آن در مقابل افراد متجاوزی که به صورت غیر مجاز و برای انجام دادن اعمال خلاف قصد ورود به ساختمان را دارند. جهت ایجاد امنیت، روش‌هایی برای تحقق بخشیدن به آن توصیه شده‌اند که البته برحسب نوع عملکرد ساختمان و ابعاد آن متفاوت‌اند.

طراحی برای سازماندهی یک برنامه‌ی کامل امنیتی، باید شامل مجموع کنترل‌های فیزیکی و سایر تکنیک‌ها و شکل‌های کنترل باشد.



مبانی نظری تحقیق

در سال ۱۹۷۱، مقاله‌ای تحت عنوان "پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی" (CPTED)، توسط ری جفری منتشر شد. اساس نظریه این است که شرایط محیط کالبدی هم می‌تواند به ارتکاب جرم کمک کرده و هم می‌تواند مانع از وقوع آن شود. در واقع نظریه‌های (CPTED)، پیشنهاد روش‌شناسی برنامه‌ریزی و طراحی مجدد محیطی است که بر آن اساس معماران و شهرسازان می‌توانند مجال ترس از جرم و تبهکاری را کاهش داده و کیفیت زندگی را بهبود بخشند (صالحی، ۱۳۸۶: ۲۴). این رویکرد که به رویکرد نیومن بسیار نزدیک است. محیط فیزیکی را به گونه‌ای سازماندهی می‌نماید که وقوع جرم و ترس را به وسیله کاهش حمایت از رفتارهای مجرمانه کاهش می‌دهد. به عبارتی، ایجاد محیط ایمن به وسیله طراحی با عملکرد پلیس هماهنگ می‌شود. در این رویکرد سیستمی، سلسله مراتبی از فضاهای به هم پیوسته و کوچه‌های بن‌بست که در واقع راه فرار را بر مجرمان می‌بندد، به کار گرفته می‌شود. به این ترتیب، در عین حال که دسترسی عمومی را ممکن می‌کند، از تمایل غریبه‌ها به حضور در فضا می‌کاهد و به

نوعی مانند محدوده‌های بسته عمل می‌کند (مدیری، ۱۳۷۸: ۶۸). جین جاکوبز نخستین کسی است که در اثر خود تحت عنوان "مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا" به این موضوع پرداخت، او معتقد بود نظارت معمولی شهروندان به قابلیت حیات شهر کمک می‌کند و با طراحی و برنامه‌ریزی مناسب شهری می‌توان امکان کنترل اجتماعی برای پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED) را به کار برد. او به برنامه‌ریزی شهری و طراحی ساختارهای شهری و واحدهای همسایگی به منظور کنترل و پیشگیری از جرم و جنایت تأکید داشت. به نظر او مراقبت‌های طبیعی شهروندان و طراحی اصولی و صحیح ساختمان‌ها و فضاهای شهری عامل مهم کنترل جرائم شهری است. با این وجود می‌توان گفت که تعریف خاص و یا کلی از نگرش پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی که مورد قبول همه باشد، وجود ندارد. اما پیشگیری از جرم می‌تواند به‌طور کلی در دو هدف کاهش حقیقی جرم و افزایش احساس سلامتی و امنیت تعریف شود (Bo Gronlund, 2000). این نگرش ابزاری است که امکان استفاده از پیش‌بینی‌ها را قبل از عمل تأیید و امکان وقوع جرائم احتمالی را کاهش می‌دهد. پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی روشی است که مفاهیم توانبخشی، حبس و مجازات را رد می‌کند (بیات، ۱۳۸۷: ۴۰). اصل کلی دیدگاه فوق بر ساخت و اصلاح مؤثر محیط بنا شده است تا بدین‌وسیله بزهکاری کاهش یابد و احساس امنیت شهری افزایش یابد و کیفیت زندگی ارتقاء یابد. برخلاف نگرشی که در آن برای جلوگیری از بروز انواع جرائم از وسایل ایمنی شخصی مثل قفل، نرده، درب‌های ایمنی و گشت‌های امنیتی و غیر استفاده می‌شود، پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی کیفیت محیط زندگی را برای جلوگیری از جرائم افزایش می‌دهد و هدف اصلی آن حداکثر استفاده از فضاهای شهری است (سلطانی، ۱۳۸۵: ۸۹). در این دیدگاه ساخت محیطی ایمن در برابر رفتار و تصمیم‌گیری بزهکاران است که این خود فرصت‌های بزهکاری را به وسیله‌ی افزایش

احساس خطر در میان بزهکاران می‌کاهد از سوی دیگر، باعث می‌شود تا اقدامات مجرمانه به تلاش بیشتری توسط مجرمان نیاز داشته باشد (McCamley, 2001). هدف اصلی طراحی علیه جرم، مقابله با بزهکاری است و آن شامل پیشرفت در طراحی محیط‌های جدید برای از بین بردن اشکال پایدار جرم در مقابل محیط‌هایی است که جاذب بزهکاران هستند (Press, 2000). این دیدگاه شامل طراحی فضای کالبدی در زمینه‌ی استفاده‌ی طبیعی از محیط پیرامون می‌باشد که در عین حال رفتار پیرامون این فضا را نیز در نظر دارد. دیدگاه یاد شده بر ارتباط بین اهداف کاربردی، بهره‌ی فضایی و مدیریت رفتار تأکید دارد (سلطانی، ۱۳۸۵: ۹۵). این نگرش بر ایجاد محیطی ایمن در برابر خطرات احتمالی مجرمان و هم‌چنین تأثیر محیط‌ها بر کاهش یا افزایش جرم اشاره می‌کند که در آن از طریق راهبردهای این نگرش جامعه از خطرات بزهکاری در امان می‌ماند. در نگرش فوق، طراحی مناسب و کاربردی مؤثر محیط و ساختمان است که منجر به کاهش جرم و ترس ناشی از جرم و وقوع جرم پیشگیری نماید. در واقع نگرش یاد شده بر این اندیشه و فکر مبتنی است که رفتار انسانی در یک محیط شهری کاملاً تحت تأثیر طراحی محیط است. آثار مثبت نگرش فوق در محله و معابر این خواهد بود که علاوه بر بهبود کیفیت محیط زندگی، ایجاد حس مالکیت کرده و میزان جرائم را کاهش داده و حتی موجب افزایش قیمت خانه و زمین در آن محل خاص خواهد شد (قورچی، ۱۳۸۶: ۷۷). اسکار نیومن در کتاب "فضاهای قابل دفاع، مردم و طراحی در شهر پر خشونت"، نظریه‌ی فضای قابل دفاع را مطرح می‌کند و می‌گوید طراحان باید ایجاد امنیت را یکی از اهداف طراحی خود قرار دهند و معتقد است می‌توان ساختار محیط شهری را به گونه‌ای تغییر داد که جامعه نه توسط پلیس، بلکه توسط افرادی که در عرصه‌هایی خاص سهیم‌اند تعریف گردد. نیومن برخی از عقاید جاکوبز را توسعه داده و بر نظارت فعالانه و تعریف عرصه‌ها تأکید کرده است. او براساس مطالعه‌ی مکان

وقوع جرم در طرح‌های مسکونی نیویورک، سه فاکتور افزایش جرم در محله‌های مسکونی را چنین برمی‌شمرد:

- ۱ - بیگانگی: مردم همسایگانشان را نمی‌شناسند؛
- ۲ - عدم وجود نظارت: مکان‌های وقوع جرم، ارتکاب جرم را به راحتی بدون آن که مجرم دیده شود ممکن می‌کند؛
- ۳ - دسترس بودن راه فرار: امکان ناپدید شدن مجرم از صحنه‌ی جرم را به سرعت ممکن می‌کند؛

لذا نیومن معتقد است که با استفاده از سازوکارهای نمادین شکل دادن عرصه‌های تعریف شده، می‌توان یک محیط را تحت کنترل ساکنانش قرار داد (نیومن، ۱۹۷۳).

از جمله سازوکارهایی که نیومن پیشنهاد می‌کند نیز می‌توان به اصول زیر اشاره کرد:

۱ - ایجاد احساس مالکیت و تعلق خاطر از طرف ساکنان آن که از طریق تقسیمات فرعی محیط‌های مسکونی به قسمت‌های مختلف امکان‌پذیر است، با این شرایط ساکنان قادرند فضا را کنترل نمایند.

۲ - امکان وجود نظارت طبیعی از داخل ساختمان به فضای داخلی و خارجی آن، ارتباط بصری بین فضاها از ایجاد مناطق پرت و ایزوله جلوگیری می‌کند.

۳ - شکل و ویژگی‌های کالبدی ساختمان باید به نحوی باشد تا شرایط پنهان کاری اعمال خلاف را ایجاد نکند آن‌گونه که "فضاهای پشت" ایجاد می‌کند.

۴ - ساختمان‌ها در مجاورت فضایی استقرار یابند که خود بازدارنده اعمال خلاف‌اند به عبارت دیگر محل استقرار ساختمان باعث تشدید ناامنی نگردد (افشار، ۱۳۷۸: ۴۸).

نیومن معتقد است امنیت سایت را از طریق سلسله مراتب در فضا می‌توان ایجاد نمود، به‌گونه‌ای که فضاهای عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی مشخص شده و معین گردد چه کسی مجاز است در کدام فضا باشد. تقسیمات فرعی در صورتی که

فضاهای تعریف شده مناسبی در خصوص راه‌های دسترسی و خدمات جانبی و ورودی‌ها ایجاد کند، بازدارنده‌ی طبیعی خوبی در مقابل اعمال خلاف می‌گردند. عملکرد مناسب این مکانسیم، موجب افزایش احساس مسئولیت و مراقبت ساکنین از محیط زندگیشان می‌شود. نظارت زمانی می‌تواند به شکل مطلوب انجام پذیرد که محل تحت نظارت در حیطه‌ی فعالیت و مسئولیت افراد شناخته شود. در بهترین حالت یعنی زمانی که ساکنان منطقه تحت نظارت را در مالکیت خویش احساس کنند، محافظت به طور کامل صورت می‌پذیرد. در شرایطی که محیط فاقد فضای تقسیم شده باشد، باید تعداد راه‌های دسترسی محدود باشد تا به لحاظ امنیتی، جمعیت بسیاری از آن‌ها عبور کند و امکان نظارت کافی وجود داشته باشد. این راه‌ها باید به نحوی طراحی گردند که قبل از عبور قابل رؤیت باشند (طالبی، ۱۳۷۶: ۵۴).

امنیت در ساختمان‌های مسکونی: افزایش وقوع جرائم و پراکندگی آن‌ها در محیط‌های شهری، شهرنشینان را به‌طور فزاینده‌ای در رابطه با امنیت زندگی‌شان نگران کرده است. افزایش در تراکم می‌تواند بر امنیت ساکنان اثرات مثبت و منفی داشته باشد. تمرکز و اجتماع مراجعه‌کنندگان از یک سو باعث مزاحمت‌های بالقوه شده و از سوی دیگر امکان مراقبت و کنترل ساکنین بر رفتارهای ناهنجار اجتماعی بالا می‌برد (عینی‌فر، ۱۳۷۹: ۱۰۸). ایجاد امنیت در ساختمان‌های مسکونی، با روش‌های مطابق با ویژگی‌های این نوع ساختمان‌ها صورت می‌گیرد. به‌طور کلی، محافظت مبتنی بر دو اصل اساسی زیر است:

- ایجاد مرزها و حصارهایی در مقابل ورود افراد غیرمجاز و اعمال کنترل از طرف نگهبانان.

- ایجاد فرصت‌های نظارت برای اهالی و افراد ساکن در ساختمان از طریق طراحی فضاهای تعریف شده و مشخص و یا با روش‌های الکترونیکی.

با این وجود، می‌توان بیان گفت که فرضیه‌ی رابطه‌ی مسکن نامناسب با جرم از سوی پژوهش‌گران به اثبات رسیده است. به عبارت بهتر، همبستگی شدیدی بین ناسالم بودن مسکن و بزهکاری کودکان و جوانان ملاحظه شده است. به طور مثال در فرانسه ۷۴٪ موارد بزهکاری در محلاتی که مسکن ناسالم وجود دارد، ملاحظه شده است. کیفیت عمومی سکونت نقش بسیار قاطعی در بروز رفتارهای اجتماعی مطلوب و یا آنومیک دارد. این موضوع از اینجا ناشی می‌شود که به طور اساسی تعریف مسکن، فراتر از تعریف آن صرفاً به عنوان یک سرپناه است و کیفیت آن نیز حائز اهمیت و توجه است. والدین با انتخاب محل سکونت خویش، موقعیت اجتماعی و کانون خانواده خود را تعیین می‌کنند. از این رو، صاحب‌نظران بی‌شماری برآنند که ریشه انحرافات را باید در خانه‌های مسکونی نامناسب جستجو کرد و این گونه خانه‌ها در ایجاد کجروی و بزهکاری‌های نقش مهمی را بازی می‌کنند و در تمام جوامع طبقاتی بیشتر مجرمین متعلق به نواحی پست و نامناسب هستند. بر این اساس، وضعیت مناطق شهری و محلات و حتی تعداد طبقات ساختمان‌های مسکونی، کیفیت و وضعیت ظاهری آپارتمان‌ها، کیفیت ابنیه از لحاظ مرغوبیت، سرسبز بودن و نور کافی داشتن و ... عواملی هستند که تأثیر بسزایی در نوع جرائم ارتكابی در مناطق شهری و محلات برجای می‌گذارند (صفوی مقدم، ۱۳۸۹: ۵۲).

انواع محافظت: محافظت از ساختمان به شکل‌های مختلف زیر صورت می‌پذیرد:

محافظت فعال: محافظت فعال از طریق طراحی مناسب ساختمان شامل طرح ساختمان و مصالح به کار رفته در آن تأمین می‌شود. در این روش، راه‌هایی از ورود غیرمجاز به ساختمان مورد بررسی قرار می‌گیرد که کنترلی از طرف ساکنان بر آن‌ها اعمال نمی‌گردد.

محافظت دفاعی: این نوع حفاظت به معنی ایجاد حصار بین فضای خارج و داخل ساختمان است. حصارهای فوق مانند نرده‌های امن، روش‌های خاص دسترسی و قفل‌ها

است. محافظت دفاعی، تقویت بخشی از قسمت‌های ساختمان به منظور جلوگیری از ورود غیر قانونی افراد را نیز شامل می‌شود.

سیستم‌های زنگ خطر و دستگاه‌های گیرنده: این روش هنگامی به کار می‌رود که دو روش یاد شده بی‌نتیجه باشد. استفاده از سیستم‌های زنگ خطر باعث می‌شود تا فرد متجاوزی که موفق به ورود به ساختمان شده است پیدا و گرفتار گردد.

روش‌های خاص: روش‌های خاص در برخی موارد برای محافظت بیشتر در حد لازم به کار می‌رود، مانند استفاده از سیستم‌های دوربین‌های مدار بسته و ... (طالبی: ۱۳۸۳: ۱۷۲).

محافظت فعال به دلیل نقش پیش‌گیرانه‌ای که می‌تواند داشته باشد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

محافظت فعال: در این روش از طریق طراحی اصولی ساختمان با صرف کمترین هزینه، بیشترین امنیت را می‌توان تولید نمود. ایجاد امنیت باید یکی از اهداف انسانی - محیطی طراحی هر مجموعه باشد. از طریق طراحی مناسب، می‌توان شرایط فضاها را به نحوی طراحی نمود که فرصتی برای عمل خلاف وجود نداشته باشد و در این راه، اعمال کنترل از طرف ساکنان یک محله بر کلیه فعالیت‌های محل می‌تواند نقش مهمی ایفا نماید.

چهار اصل زیر در ایجاد فضاهای امن مؤثر هستند: (Newman: 1996: 14-22)

الف - تعریف محلی فضا باعث می‌شود که سطوح کالبدی تحت نظر ساکنان قرار گرفته و این گونه به نظر بیاید که در مالکیت افراد است، تحقق این هدف با تقسیمات فرعی محیط مسکونی به قسمت‌های کوچک‌تر امکان‌پذیر خواهد بود. این شرایط، ساکنان مجاور هر فضا را قادر خواهد ساخت تا با روش‌ها و مقررات مخصوص به خود، امنیت مطلوب را به وجود آورند.

ب - وجود نظارت طبیعی از داخل ساختمان بر فضاهای داخلی و خارجی ساختمان، این روش، فرد متجاوز از آن جا که خود را در معرض دیده شدن می‌بیند، از نوعی بازدارندگی ناخودآگاه برخوردار است.

ج - شکل و ویژگی‌های کالبدی ساختمان باید به نحوی باشد تا شرایط پنهان کاری و انجام دادن کارهای خلاف را ایجاد نکند. عدم ایجاد فضاهای تاریک و بدون دید و نیز فضاهای کنج و دنج، مانع از ایجاد فرصت برای انجام بزه می‌نماید.

د - ساختمان در مجاورت فضاهایی استقراری باید که خود بازدارنده‌ی اعمال خلاف‌اند. به عبارت دیگر، محل استقرار ساختمان باعث تشدید ناامنی نگردد. این مورد شامل سازگاری کاربری‌های مجاور با مجموعه مسکونی می‌باشد که هر چه کاربری‌های اطراف سازگارتر باشد، امنیت بیشتری را می‌توان متصور شد.

ویژگی‌های فضای قابل دفاع: تأثیر جنبه‌های مختلف طرح کالبدی مسکن در تقویت توانایی ساکنان برای کنترل محیط زیست خود عامل مهمی می‌باشد. اگرچه بعضی از مکانیزم‌های دفاعی کنترل به صورت مستقل عمل می‌نماید، ولی در مجموع این مکانیزم‌ها به تنهایی فاقد معنا بوده و باید به صورت یک مجموعه واحد عمل کنند. برای مثال، واگذاری کنترل محدوده‌ای از سایت به ساکنان در صورتی عملکردی موفق و مؤثر خواهد بود که ساکنان دارای کنترل بصری بر این محدوده باشند. از طرفی، اگر ساکنان شاهد فعالیت‌هایی باشند که در محل‌های نامانوس انجام می‌شود، بهبود امکانات مراقبت بصری بهبود خواهد بود. در نتیجه، هر مکانیزم دفاعی فضا با مراجعت متقابل و مکرر به تقسیمات دیگری انجام می‌گیرد که یا با هم و پشت سر هم و یا به طور مشترک عمل می‌کنند (طالبی، ۱۳۸۳: ۱۷۵).

حریم و قلمرو سایت: برای طراحی یک محیط مسکونی با هدف ایجاد فضایی قابل دفاع، تقسیم‌بندی فضایی به صورت عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی به تشخیص این که چه کسی مجاز به حضور در چه فضایی هستند کمک خواهد کرد.

حریم و قلمرو یکی از مهم‌ترین نکات فراهم کننده خلوت و امنیت است. کنترل قلمرو از طریق در اختیار گرفتن فضا توسط محدوده‌ای خاص میسر است. قلمرو می‌تواند خصوصی (مانند فضاهای باز خصوصی مجموعه)، نیمه خصوصی (مانند محوطه‌های مشاع داخلی و خارجی) و عمومی (مانند فضاهای خیابان و پیاده روها) باشد. در این قلمرو نیمه خصوصی اغلب مبهم بوده و معمولاً به شکل ضعیفی مراقبت و نگهداری می‌شود (Cooper:1986:23). ایجاد فضای قابل دفاع با استفاده از عناصر فیزیکی و طرح‌های معماری متنوعی مانند طراحی سایت، واحدهای همسایگی و موقعیت آن‌ها، راه‌ها، پنجره‌ها، راه پله‌ها، درها، آسانسورها و ... امکان‌پذیر است. ایجاد تقسیمات فرعی در طرح و ساختمان، به وجود آوردن دسترسی‌های محدود، ایجاد حصارهای فیزیکی، استفاده از موانع و عوامل روان‌شناسانه، فراهم کردن امکان شناخت در همسایه‌ها و افزایش امکان نظارت از طرف اهالی از جمله تکنیک‌هایی هستند که برای ایجاد فضای قابل دفاع می‌توانند نتایج مطلوبی را در پی داشته باشند.

همسایگی و تقویت نظارت: انسان همواره در طول حیات خود به مدد ارتباط، پیوندش را با جامعه حفظ کرده است. در حقیقت، ارتباط از مهم‌ترین و ملموس‌ترین عناصر حیات اجتماعی انسان محسوب شده و یکی از نیازهای اساسی انسان به شمار می‌رود. در نتیجه، بدیهی است که مناسب‌ترین فرد برای رفع این نیاز، نزدیک‌ترین و در دسترس‌ترین افراد، یعنی همسایه است. همسایگی در جوامع بزرگ کنونی دستخوش تحولات زیادی شده است. در عین حال، در جامعه‌ی بشری هنوز رابطه‌ای مهم و قابل توجه به حساب می‌آید؛ زیرا پیشرفت و ترقی فرهنگی و تکنولوژیک هر جامعه ناگزیر

از حضور انسان‌ها در کنار یکدیگر و برقراری حداقل رابطه با یکدیگر خواهد بود. روابط همسایگی به خصوص در مورد شکل خاص زندگی آپارتمانی، قابلیت تبدیل به روابطی فعال و صمیمانه را داراست (Hester: 1984:45). عوامل مؤثر در نوع رابطه همسایگی را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

- افراد واقع در پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالا، از همسایگی بهتری نسبت به گروه‌های دیگر برخوردار هستند.

- افرادی که اوقات فراغت بیشتری دارند، دارای رابطه همسایگی بهتری هستند.

- با افزایش تعداد فرزندان، از قوت همسایگی کاسته می‌شود.

- وجود همسانی‌ها مانند سن، شغل و یا تحصیلات سبب نزدیکی همسایگان به یکدیگر و برقراری ارتباط بهتر است.

- نزدیکی واحدها به یکدیگر باعث افزایش روابط همسایگی و فاصله داشتن آن‌ها از هم باعث کاسته شدن از این روابط می‌شود.

- تقویت روابط همسایگی از طریق ساختار فیزیکی ساختمان‌های مرتفع، موجب تقویت نظارت افراد بر محیط زندگی خویش و ایجاد امنیت بیشتر می‌شود که این امر می‌تواند به عنوان یکی از اهداف طراحی مد نظر قرار گیرد (باستانی، ۱۳۶۹).

نقش محیط فیزیکی در مناطق قابل رؤیت: در ساختمان‌های آپارتمانی، فضای خارجی از ورودی به عنوان فضای عمومی تلقی می‌شود و مسئولیت آن با عموم است. ممکن است طرح به صورتی باشد که به بخش‌های بسیار تقسیم گردد و قسمت‌های گوناگون فضای باز خارج، تحت نظارت افراد محدودی قرار گیرند. تقسیمات فرعی باید با رعایت سلسله مراتب خاصی انجام شوند؛ به طوری که زمین‌ها بین دسته‌های ساختمان‌ها تقسیم شده و هر سه یا چهار آپارتمان دارای یک فضای تعریف شده مشترک باشند.

تقسیمات فرعی ذکر شده در صورتی که فضاهای تعریف شده مناسبی در خصوص راه‌های قابل دسترس و خدمات جانبی و ورودی‌ها ایجاد نماید، بازدارنده طبیعی خوبی در مقابل اعمال خلاف می‌گردد. زمانی که ساکنان، منطقه تحت نظارت را در مالکیت خویش احساس کنند، محافظت به طور کامل انجام می‌شود (Challinger: 2008: 14).

فضاهای داخلی: ساختمان‌های مسکونی دارای عرصه هستند و زمین‌های اطراف آن‌ها با توجه به ساختمان‌های خاصی تعریف می‌شوند. این فضاهای تعریف شده، راهنمای خوبی برای ساکنان و افراد ناشناس هستند و به عنوان فضاهای خصوصی مورد استفاده آن‌ها قرار می‌گیرند. تعریف زمین ممکن است در شرایطی که آپارتمان‌های بلند در زمین‌های کوچک تقسیم می‌شوند، به صورت خودبه‌خود ایجاد گردد. وجود خیابان‌های داخلی به سه دلیل زیر امنیت محل را تقویت می‌کند:

- ۱ - دسترسی مستقیم به تمام ساختمان‌ها را به وسیله اتومبیل فراهم می‌کند.
- ۲ - تردد پیاده و نیز وسایل نقلیه را به داخل محدوده سایت وارد می‌کند و در نتیجه با حضور مردم امنیت بیشتری تأمین می‌گردد.
- ۳ - امکان گشت مأموران کنترل و تسهیلات لازم را فراهم می‌کند. هم‌چنین، خیابان‌های داخلی وسیله‌ای برای شناسایی موقعیت ساختمان‌ها هستند.

محوطه‌ی یک طرح باید به نحوی تقسیم شود که تمام فضاهای آن به ساختمان‌های مشخص یا مجموعه‌های ساختمانی مربوط گردند؛ زیرا زمین‌هایی که دارای نشانه‌هایی مبنی بر تملک شخصی بر آن‌ها است، دارای امنیت بیشتری هستند. فضاهای اطراف ساختمان و فضاهای باز نیمه عمومی باید به گونه‌ای طراحی شوند که برای ساکنان از داخل ساختمان قابل رؤیت باشند و در افراد احساس در معرض دید بودن را ایجاد نماید. در نتیجه، به صورت ناخودآگاه از اعمال خلاف ممانعت به عمل می‌آید (طالبی: ۱۳۸۳: ۱۷۸).

ایجاد محدودهای خصوصی و تعیین منطقه‌ی حرکت: طراح برای کنترل حرکت بصری و فیزیکی، از خطوطی استفاده می‌کند. به این ترتیب، طراح می‌تواند توجه ناظر را به جسم یا مکان خاصی معطوف و او را هدایت کند. پرچین‌ها، دیوارها، لبه‌ها، جدول پیاده‌رو و حاشیه کاری‌ها از جمله خطوط و محورهای بارز طرح به شمار می‌روند. دروازه‌ها، مسیرهای کوتاه پله، گیاهان، تغییر بافت سطوح پیاده و نورپردازی را می‌توان از جمله حصارهای نمادین نام برد. محدود نمودن فضای ورودی با استفاده از حصارهای ذکر شده در بالا امکان‌پذیر است. موفقیت این عوامل بستگی به چهار شرط زیر دارد:

- توانایی فرد متجاوز برای استنباط نشانه‌ها در جهت اهداف خود.
- توانایی ساکنان فضای معین و عوامل آن‌ها جهت برقراری کنترل و تقویت علائم رمزدار برای نظارت.
- خاصیت فضای تعریف شده برای این که مقاصد افراد مزاحم را مشخص کند، به طوری که این فضاها کمترین زمینه را برای اعمال خلاف به وجود آورند.
- توانایی ساکنان و عوامل آن‌ها برای مبارزه با فرد متجاوز و اتخاذ تدابیر مؤثر.
- از آنجا که اکثریت ترکیبات در هدف طرح اثر می‌گذارند، مانع نمادین موفق مانعی است که تمام شرایط ذکر شده را دارا می‌باشد و ترکیبی از تمامی آن‌ها باشد.

تلفیق تأسیسات رفاهی و تفریحی با محدوده‌های تعریف شده

در تقسیمات سطوح طرح‌های خانه‌سازی، اگر تأسیسات رفاهی مورد استفاده اهالی، درون فضاها تعریف شده قرار گیرد، این فضاها به عنوان فضای قابل دفاع عملکرد بهتری خواهند داشت.

تجربه نشان داده است که خردسالان (۲ تا ۵ سال) هنگام بازی در خارج از خانه، معمولاً نزدیک در منزل بازی می‌کنند. اگر این فضا، با وسایل بازی تقویت و با

نیمکت‌هایی محصور گردد، فضای مناسبی برای ساکنان فراهم خواهد شد. هم‌چنین محدود کردن فضای بازی بچه‌ها با استفاده از موانع نمادین، نتیجه مطلوبی دربرخواهد داشت (طالبی، ۱۳۸۳: ۱۸۶-۱۸۰).

اهمیت تعداد در تقسیمات ساختمان: مقیاس‌های گوناگون تقسیم شامل: تعداد آپارتمان در یک سرسرا، تعداد آپارتمان‌ها در یک ساختمان در طرح، این حقیقت را روشن می‌سازد که تعداد کم‌تر نتیجه‌ی بهتری را دارد.

کاهش تعداد آپارتمان‌هایی که در فضای تعریف شده قرار می‌گیرد و هم‌چنین محدود نمودن تعداد ساختمان‌هایی که در یک طرح است، در موفقیت ایجاد فضای قابل دفاع اهمیت ویژه‌ای دارد. در ساختمان‌های بدون آسانسور، معمولاً تفاوت اقتصادی چندانی بین حالت ساختمان وجود نخواهد داشت.

در الگوی سمت راست، ساختمان دارای یک راهروی مرکزی است که پله‌ها در فاصله‌ای مطابق با ضوابط آتش‌نشانی قرار گرفته‌اند. در الگوی سمت چپ، حجم ساختمان به قسمت‌های مختلف با راه پله‌های متعدد تقسیم شده است. در این حالت، هر راه پله به تعداد کمی خانوار سرویس دهی می‌کند و ورودی‌های متعددی در ساختمان وجود دارد که این شرایط سبب افزایش کنترل ساکنان بر وقایع محیط زندگی خویش می‌شود.

بر خلاف ساختمان‌های بدون آسانسور، در ساختمان‌هایی که استفاده از آسانسور لازم است، امکان تقسیم‌براحی وجود ندارد. از جنبه اقتصادی و بر حسب نوع آسانسور به کار رفته، تعداد آپارتمان مشخصی در هر طبقه، حالت مطلوب را ایجاد می‌کند. در ساختمان‌های ۴ تا ۶ طبقه آسانسورهای هیدرولیکی به کار می‌رود، در این حالت، یک آسانسور می‌تواند به ۴ یا ۵ واحد در هر طبقه سرویس بدهد، این روش به لحاظ اقتصادی نیز مناسب است. ساختمان‌های بیش از ۷ طبقه نیاز به آسانسورهای سریع‌تر

دارند که به دلیل جنبه‌های اقتصادی باید به تعداد زیادی آپارتمان، چه در ساختمان و چه در هر طبقه سرویس بدهند (Newman:1996:12).

نتیجه‌گیری

امروزه، تغییر ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی و فرهنگی انسان‌ها تأثیر زیادی در شکل‌گیری مسکن داشته است. طبقه‌بندی ساده قشر مخاطب برای دسته‌بندی گونه مسکن مورد نیاز پاسخگوی نیازهای دامنه وسیع استفاده کنندگان از مجموعه‌های مسکونی نمی‌باشد. در این بین، احساس امنیت از جمله عوامل انسانی - محیطی است که می‌تواند نقش بسزایی در رضایت‌مندی انسان‌ها از فضایی که در آن زندگی می‌کنند داشته باشد. امنیت در مجموعه‌های مسکونی تنها از طریق موانع سخت فیزیکی میسر نبود؛ چه بسا همین موانع فیزیکی به لحاظ روحی - روانی حس ناامنی را در مردم تقویت کند. این جاست که نقش ایجاد حس امنیت از طریق غیر مستقیم و با بهره‌گیری از سیاست‌های پیشگیرانه تلفیقی کالبد معماری و روابط اجتماعی - فرهنگی تحقق‌پذیر خواهد بود، بیشتر به چشم می‌آید. با توجه به رشد جمعیت و افزایش نیاز به مجموعه‌های مسکونی در شهر همدان، روشن کردن الگوها و خط‌مشی‌هایی برای نیل به اهداف برنامه‌ریزی شده، ضروری به نظر می‌رسد که در این بین ایجاد حس امنیت به عنوان یکی از عوامل انسانی - محیطی نقش مهمی را در رضایت‌مندی و آسایش افراد در زندگی‌شان ایفا خواهد نمود. با این وجود با رعایت موارد ذیل در طراحی مجتمع‌های مسکونی می‌توان گامی مؤثر در ایجاد حس امنیت در مجتمع‌های مسکونی برداشت:

- همجواری تصرف‌ها در ساختمان باید به نحوی صورت گیرد که مسأله‌ی اشراف و دید از تصرف‌های دیگر به تصرف‌های مسکونی، از طریق بازشوهای پنجره یا درهای ورودی به حداقل تقلیل یابد.

- همجواری ورودی و فضاهای دیگر در داخل تصرف‌های مسکونی باید به نحوی صورت گیرد که دید بیگانه از در ورودی به فضاهای داخلی تصرف محدود گردیده و اشراف آنان به این فضاها به حداقل تقلیل یابد.

- مجتمع‌های مسکونی در مجاورت فضاهایی استقرار یابد که خود بازدارنده اعمال خلاف‌اند. به عبارت دیگر، محل استقرار ساختمان باعث تشدید ناامنی نگردد. این مورد شامل سازگاری کاربری‌های مجاور با مجموعه مسکونی می‌باشد که هرچه کاربری‌های اطراف سازگارتر باشد، امنیت بیشتری را می‌توان متصور شد.

- شکل و ویژگی‌های کالبدی ساختمان باید به نحوی باشد تا شرایط پنهان کاری و انجام دادن کارهای خلاف را ایجاد نکند.

- عدم ایجاد فضاهای تاریک و بدون دید و نیز فضاهای کنج و دنج (فضاهای بی‌دفاع)، مانع از ایجاد فرصت برای بزه می‌نماید.

- افزایش قابلیت رؤیت‌پذیری بصری فضای شهری به گونه‌ای که ساکنین بتوانند اماکن عمومی را تحت نظر خود داشته باشند.

- برقراری تناسب میان تراکم جمعیتی و مجموعه‌های مسکونی (نه تراکم پایین و نه تراکم بالای جمعیتی تنها تراکم متوسط جمعیتی می‌تواند مناسب فضاهای امن باشد).

- ایجاد کاربری‌های متنوع و متجانس در مجموعه‌های مسکونی که بتواند در طول شبانه‌روز فعال باشد.

- تعریف مرزهای روشن بین فضاهای عمومی و خصوصی که مالکیت یک فضا را تعریف می‌کند و به وسیله آن بتوان سلسله مراتب فضایی را در مجموعه‌های مسکونی پشتیبانی کرد.

- افزایش روابط اجتماعی بین همسایگان و تقویت حس همبستگی میان افراد و ساکنین مجموعه‌های مسکونی.

- ایجاد فضاهای شهری و اجتماعی متعدد برای دورهم‌آیی و افزایش تعاملات ساکنین مجموعه‌های مسکونی نظیر پارک‌های محلی، فضاهای تفریحی و بازی کودکان.

- در تقسیمات سطوح طرح‌های خانه‌سازی، اگر تأسیسات رفاهی مورد استفاده اهالی، درون فضاهای تعریف شده قرار گیرد، این فضاها به عنوان فضای قابل دفاع عملکرد بهتری خواهند داشت.

منابع:

- افشار، علی، (۱۳۷۸)، فضا و آسیب‌های اجتماعی ارائه الگوهای طراحی جهت بهسازی فضای پارک‌های شهری، پایان نامه کارشناسی دانشگاه تهران، دانشکده محیط زیست.
- باستانی، سوسن، (۱۳۶۹)، روابط همسایگی آپارتمان نشینان شهر تهران، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- بیات، بهرام، جعفر شرافتی پور و نرگس عبدی، (۱۳۸۷)، پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور، طراح و چاپ اداره تبلیغات، معاونت اجتماعی نیروی انتظامی - اداره کل مطالعات اجتماعی.
- تن کین هون، (۱۳۸۵)، پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، ترجمه علی سلطانی، نشریه پلیس پیشگیری انتظامی، شماره اول، صص ۹۷-۱۴۸، زمستان ۸۵.
- حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۸۲)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، انتشارات سمت، تهران.
- حسینیون، سولماز، (۱۳۸۶)، ایجاد حس مکان در فضاهای شهری، مجله شهرداری‌ها، شماره ۸۲.
- رضازاده، راضیه، (۱۳۸۴)، نقش عوامل اجتماعی در تحول فرم فضاهای شهری.
- زنگی آبادی، علی، (۱۳۷۸)، تحلیل و سازماندهی ساختار فضایی شاخص‌های توسعه‌ی شهری در شهرهای بالای صد هزار نفر ایران، رساله مقطع دکترا، اساتید راهنما: هوشنگ طالبی، محمود هدایت، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه جغرافیا.
- طالبی، ژاله، (۱۳۷۶)، راهنمای طراحی معماری ساختمان‌های بلند مسکونی، تهران، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
- عینی‌فر، علیرضا، (۱۳۷۹)، عوامل انسانی - محیطی مؤثر در طراحی مجموعه‌های مسکونی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۸.

- قورچی بیگی، مجید، (۱۳۸۶)، مبانی نظری پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (Cpted)، مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای پیشگیری وضعی از بزه‌کاری (دانشگاه آزاد ابرکوه یزد).

- ماندل، رابرت، (۱۳۷۹)، چهره متغیر امنیت ملی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- مدیری، آتوسا، (۱۳۷۸)، جرم، خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر، تهران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ششم، شماره ۲۲.

- معین، محمد، (۱۳۸۴)، فرهنگ فارسی یک جلدی، تهران، انتشارات ساحل.
- مؤمنی، مهدی، (۱۳۷۷)، درآمدی بر اصول و روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، انتشارات گویا، اصفهان.

- نصری، قدیر، (۱۳۸۱)، معنا، ارکان جامعه شناسی امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲۶.

-Bo Grönlund, architect maa, sar, On CPTED - Crime Prevention through Urban Design, Written to the Radberg seminar 'Towards the Humane City for the 21st century', Stockholm 2000-09-28.

-Cooper, Marcus, Clare and Wendy Sarkissian, Housing as if People Mattered, Berkeley: University of California press,1986.

- Dennis Challenger, From the Ground Up:Security for Tall Buildings, Connecting Research in Security to Practice, ASIS FOUNDATION, 2008.

-Hester, Randolph: Planning Neighbourhood Spaces With People, Second Edition, New York, Van Nostrand

-McCamley, Phil, CRIME, DESIGN AND URBAN PLANNING: FROM THEORY TO PRACTICE, first published in the Royal Australian Planning Institute magazine, New Planner, June 2001

-Misra,R.P;Micro (1992). "Level Rural Planing;chapman and hall",pp.34-64

-Oscar Newman, "Creating Defensible Space",Institute for Community Design Analysis, U.S. Department of Housing and Urban Development Office of Policy Development and Research,1996, P 14-22.

- Rapoport, Amos: "Identity and Enviroment:A Cross Cultural Perspective", In J.S.Ducan ed,Housing and Identity:A Cross Cultural Perspective,London: Croom Helm